

یادداشت

آلتر ناتو سوم در سیاست خارجی



مهدی مطهرنیا

تحلیلگر مسائل بین الملل

نظام جمهوری اسلامی ایران، پارادایم حاکم بر روابط خود در عرصه سیاست خارجی را بر گزاره «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، بنا کرده است. استواری بر این پارادایم در دهه‌های گذشته ماهیتی لغزنده به خود گرفته است. جهت گیری‌های نظام جمهوری اسلامی ایران به سمت شرق، با این گزاره که ایران شریک راهبردی روسیه، و روسیه شریک راهبردی ایران است، تعارف دیپلماتیکی بود که بر اساس یک تکرار مدام در پایتخت‌های دو کشور و بر پایه نیازی که روس‌ها به بازی با کارت تهران در معادلات منطقه‌ای خاورمیانه و جایگاه این منطقه در نظام بین‌الملل داشتند، به یک باور تبدیل شد. به تدریج گرایشی به سمت توسعه روابط با کشورهایی پیدا کرد که از سبقه‌های مارکسیستی – کمونیستی بر خوردار بودند. روسیه اولین انقلاب مارکسیستی را تجربه کرده و چین نیز یک نظام مائونیستی است. این دو کشور اگرچه در برهه‌هایی بنا بر برخی مقتضیات، چرخش‌هایی را در سیاست‌ها و رویه‌های خود تجربه کرده‌اند با این حال به هیچ عنوان خالی از این مفاهیم نیز نیستند. بالطبع همگرایی تهران با پایتخت‌های کشورهایی که دارای سبقه ایدئولوژیک و آیینی هستند، از بدو آن دچار چالش معنادار است. این گزاره‌ها در راستای نفی غرب به عنوان هدف اصلی عمل می‌کنند. در این راستا، نزدیکی به شرق جهت مقابله به با غرب به عنوان یک اصل معنادر تعریف پذیر شده و تلاش شده که نشان داده شود که چین در حال برکشیدن پاشنه‌های کشش خود جهت کسب قدرت بین‌المللی است. اگر چه می‌توان چین را یک کشور پیشرفته بین‌المللی دانست. با این حال، میان «پیشرفت» و «توسعه» ارتباط وجود دارد، اما آنها مفاهیمی یکسان نیستند. رویدادهای یک ساله اخیر پس از جنگ اوکراین و تلاش آمریکا جهت زیر سوال بردن جایگاه چین به واسطه مساله تایوان و سفر نانسی پلوسی و پس از آن سناتورهای دیگری به شرق این نکته را به خوبی نشان داد که چین حداقل در شرایط فعلی به خوبی نمی‌داند که هنوز زمان رویارویی با واشگنت فرا نرسیده است. برخلاف روسیه این کشور تلاش کرد تا از زیر بار تحركات جنگ روانی دولت آمریکا خود را خارج کند و در سطح منطقه نیز شاهدیم که یکن سعی دارد تا به متحدان کلیدی و راهبردی آمریکا در مهم‌ترین منطقه ژئواستراتژیک جهان یعنی خاورمیانه نزدیک شود. سفر اخیر رئیس‌جمهور چین «شی جین پینگ» به عربستان سعودی و آنچه که در جریان این سفر پیش آمد و برخی مواضع و اقدامات صدایرانی در قالب این سفر مطرح و انجام شد، حامل پیام‌ها و معانی زیادی بود. این موضوع تا حد زیادی نشان دهنده این است که ما در روند نوعی همگرایی بین‌المللی جهت برخورد با تهران هستیم. این رو باید توجه داشته باشیم که خیلی زود دیر می‌شود و به راحتی دیگر نمی‌توان راه سومی را در حوزه سیاست خارجی تعریف کرد. زیرا از یکسو شما در مقابل خود جهان غرب را قرار داده‌اید که با رهبری آمریکا و مدیریت اروپا و کشنگری اجرایی اسرائیل در منطقه می‌تواند یک وحدت عملیاتی را شکل دهد و ائتلاف آمریکایی-اروپایی-اسرائیلی در کنار ائتلاف عربی-عبری-غربی قرار می‌گیرد و ایران را در وضعیت سختی قرار دهد و از سوی دیگر، در داخل منطقه نیز کشنگرانی نظیر عربستان، ترکیه و همچنین اسرائیل را داردید که در پی ایجاد یک وحدت عملیاتی جهت برخورد با ایران در «جبهه موافقت» هستند. با این حال، بر برخی از این واقعیت‌ها گویا مورد غفلت قرار گرفته است.

در پیچه

حسین کنعانی مقدم:

بایند مرده است، نه برجام

وضعیت در حوزه سیاست خارجی مبهم‌تر از گذشته شده است. از یک طرف غربی‌ها که تا همین چند وقت پیش علیه ایران در سازمان ملل قطعنامه تصویب و عضویت ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را لغو می‌کردند، حالا حرف از باز گشت به مذاکرات می‌زنند. تحلیلگر مسائل سیاست خارجی درباره این موضوع اظهار داشت: راهبرد غربی‌ها فشار حداکتری از بیرون و شورش از درون بود اما بعد از آنکه متوجه شدند اپوزیسیون خارج از کشور نمی‌تواند آلترناتیو باشد و مردم هم با ناآرامی‌ها همراهی نکردند، به این نتیجه رسیدند که سیاست قدیمی خود یعنی چماقی و هویج را اجرا کنند. اکنون از یکسو با طرح موضوعات حقوق زنان، حقوق بشر و... بر ایران فشار می‌آورند و از سوی دیگر تمایلشان به مذاکرات را نشان می‌دهند. بایند هم کنگره را از دست داده است و عملاً نمی‌تواند هیچ تضمینی به ایران در موضوع برجام بدهد. در واقع برجام مرده، بلکه این بایند است که مرده زیرا هیچ اقدام مؤثری نمی‌تواند انجام دهد. حسین کنعانی مقدم، وی افزود: غربی‌ها دنبال به دست آوردن زمان هستند تا بتوانند با استفاده از این فرصت فشارها بر ایران افزایش دهند تا به زعم خودشان ایران در مذاکرات دست یابین را داشته باشد و امتیاز بدهد؛ روشی که البته بیش از یک دهه است امتحان کرده‌اند و نتیجه نگرفته‌اند.» این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: من پیشنهاد دادم که در شرایط پلاتکلینی کنونی بهتر است برجام به همه پرسى گذاشته شود تا مردم درباره حضور یا عدم حضور ایران در برجام تصمیم بگیرند. دولت هم باید زمینه‌ای را فراهم کند که اقتصاد واقعا بدون تکیه به برجام اداره و مشکلات مردم حل‌شود. به هر حال با این شرایط ماندن در برجام نفعی برای ما ندارد، مگر آنکه منافع اقتصادی‌ای پیش آید. با این حال به نظر من باید برجام به همه پرسى گذاشته شود. کنعانی مقدم در پایان درباره نقش اروپایی‌ها در این بین تصریح کرد: من بارها گفته‌ام اروپایی‌ها شریک دزد و رفیق قافله هستند. آنها منافع خود را لحاظ می‌کنند و هم دزد اصلی یعنی آمریکا همکاری می‌کنند و هم نیم‌نگاهی به بازار ایران دارند، اما اگر با همین منوال ادامه دهند، فضا برایشان تنگ‌تر و عرصه برای روسیه، چین و هند با‌تر می‌شود و آنها هم این را می‌دانند.

علی بیگدلی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

باید مراقب

قطعنامه احتمالی

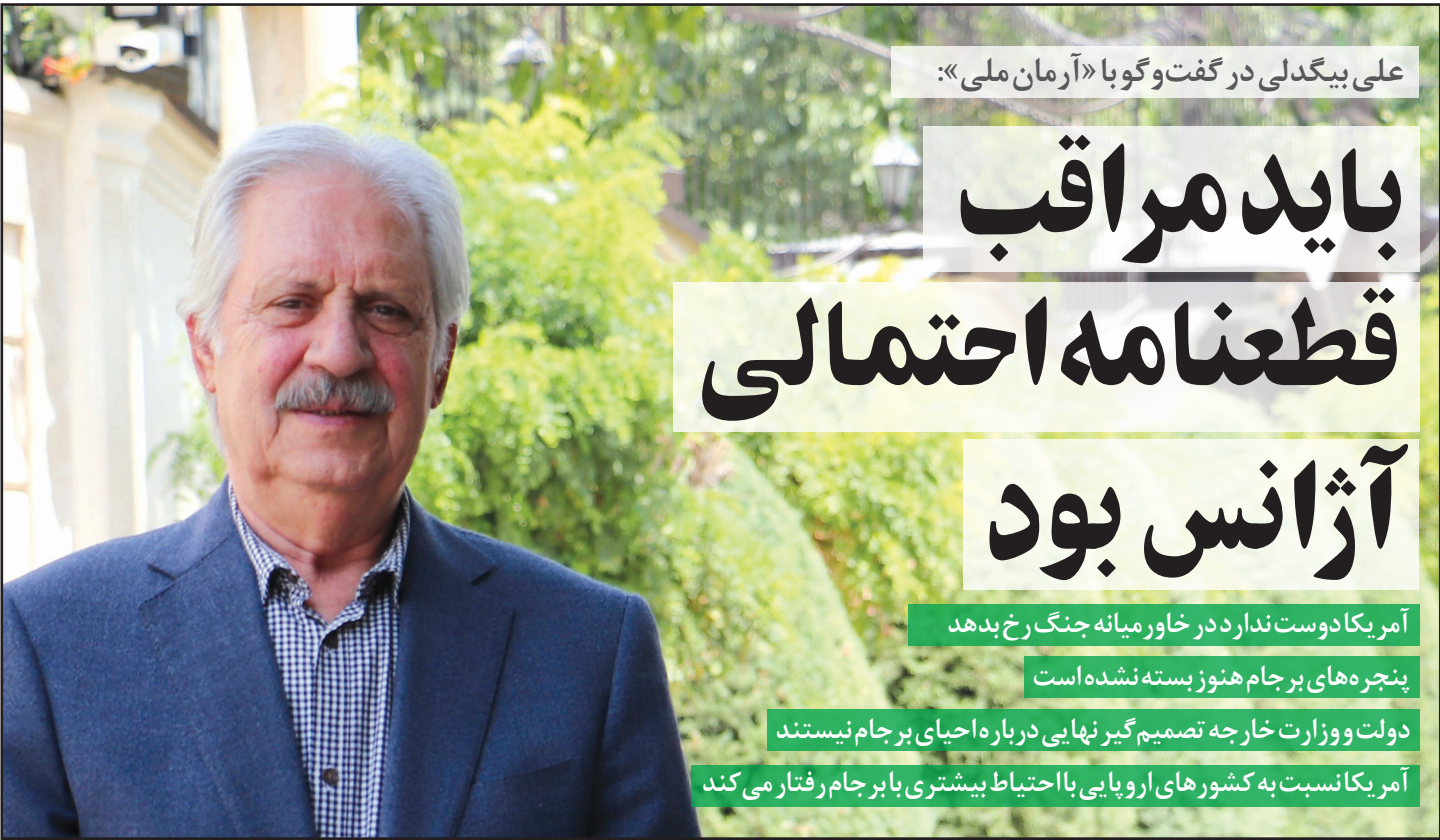
آژانس بود

آمریکادوست ندارد در خاورمیانه جنگ رخ بدهد

پنجره‌های برجام هنوز بسته نشده است

دولت و وزارت خارجه تصمیم گیر نهایی در باره احیای برجام نیستند

آمریکانسیبت به کشورهای اروپایی با احتیاط بیشتری با برجام رفتار می‌کند



آرمان ملی – احسان انصاری: «اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد شرایط اقتصادی پیچیده‌تر خواهد شد. در شرایط کنونی کشوری که منابع عظیم گازی در اختیار دارد با مشکل گاز مواجه است که اتفاق تأمل بر انگیزی است. این موضوع نشان می‌دهد که ما باید نوع نگاهمان را به مسائل منطقه و جهان تغییر بدهیم. ما باید این واقعیت را بپذیریم که برخی سیاست‌های خارجی که در گذشته در پیش گرفته‌ایم به نتیجه مورد دلخواه نر سیده است. این وضعیت هم در منطقه وجود دارد و هم در عرصه بین‌المللی. در چنین شرایطی عقانیت سیاسی حکم می‌کند که ما باید نوع نگاهمان را به تحولات جهانی تغییر بدهیم. من فکر می‌کنم این اتفاق هر چه زود تر باید رخ بدهد.» جملات با اظهارات د کتر علی بیگدلی، تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «آرمان ملی» درباره تحولات اخیر پیرامون برجام است. بیگدلی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی مذاکرات ایران و غرب می‌پردازد که در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اظهارات و مواضع مقامات آمریکا بیانگر این است

که تمایل این کشور برای ادامه مذاکرات و احیای

برجام نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است. این در

حالی است که وزیر امور خارجه نسبت به آینده مذاکرات ابراز امیدواری کرده است. ارزیابی شما از مواضع مقامات ایران و آمریکا درباره آینده برجام چیست؟

پنجره‌های برجام هنوز بسته نشده و نمی‌توان عنوان کرد برجام به پایان خود رسیده است. واقعیت این است که اعتراضاتی که در ماه‌های گذشته در ایران رخ داد در سیاست خارجی ایران تأثیر گذاشته است. اتفاقی که در این مدت رخ داد این بود که کشورهای اروپایی

و به خصوص آلمان مواضع تندی علیه ایران اتخاذ کرده‌اند و رویکرد دیگری را در پیش گرفته‌اند. این موضوع در گذشته وجود نداشت و پس از اعتراضات در ایران به وجود آمد. به همین دلیل مواضع کشورهای اروپایی درباره اتفاقات داخلی ایران روی فضای برجام تأثیر گذاشته است. این در حالی است که آمریکا با احتیاط بیشتری نسبت به کشورهای اروپایی به خصوص آلمان و فرانسه درباره برجام رفتار می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها علاقه‌مند هستند که مذاکرات هسته‌ای دنبال شود. آمریکاتمایل ندارد در منطقه خاورمیانه جنگی رخ بدهد. دلیل این موضوع نیز این است که اگر این اتفاق رخ بدهد مشکلات و چالش‌های زیادی برای آمریکا و کشورهای اروپایی به وجود خواهد آمد. از سوی دیگر طرح موسوم به «ابراهیم» است که از سوی کشورهای عربی و با حمایت کشورهای غربی دنبال می‌شود و به نظر می‌رسد شرایط برای به رسمیت شناختن اسرائیل توسط عربستان سعودی نیز در حال فراهم شدن است و این اتفاق ممکن است در آینده رخ بدهد. آمریکا دوست ندارد این موقعیت را از دست بدهد و به همین دلیل هنوز همه پنجره‌های احیای برجام بسته نشده است. ایران نیز به دلیل شرایط اقتصادی به احیای برجام نیاز دارد. در نتیجه در شرایطی که ایران و آمریکا همچنان به ادامه مذاکرات تمایل دارند نمی‌توان عنوان کرد که برجام به پایان راه خود رسیده است. از نظر روابط بین‌الملل نیز هیچ کشوری در چنین شرایطی عنوان نمی‌کند که مذاکرات را قطع کرده یا به دنبال مذاکرات در آینده نیست. ایران و آمریکا نیز این موضوع را اعلام نکرده‌اند. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که با توجه به نیازی که طرفین به احیای برجام دارند در آینده مذاکرات از سر گرفته شود.

«مذاکره کنندگان نباید فعلی می‌گفتند که تلاش خواهند کرد امتیازات بیشتری نسبت به برجام دولت روحانی از غرب بگیرند. آیا در شرایط کنونی زمینه برای امتیازگیری بیشتر وجود دارد؟

در گذشته برخی درخواست‌ها خارج از ضوابط برجام بود

که یکی از آنها لغو تحریم‌های مرتبط با سپاه پاسداران بود که این موضوع ارتباطی با تحریم‌های ذیل برجام نداشت. به همین دلیل نیز ایران و مراکز تصمیم‌گیری در ایران مواضع خود را اصلاح کردند. در شرایط کنونی آمریکا عنوان می‌کند که حاضر است تحریم‌هایی

که ذیل برجام است را لغو کند به شرط اینکه ایران به نقطه‌ای بازگردد همین‌دلیل رویکردی که دولت و رئیس‌جمهور و وزارت امور خارجه اروپایی است. موضوع دیگری که حائز اهمیت است و احتمالاً منجر به بستن قرارداد خواهد شد این است که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا که ممکن است از بین جمهوری خواهان باشد دوباره اقدام ترامپ برای خروج از برجام را تکرار نکند و از برجام خارج نشود. در شرایط کنونی ایران با دو رویکرد در ادامه مذاکرات

نگاه می‌کند. رویکرد نخست خوش‌بینی و امیدواری برای ادامه مذاکرات است و رویکرد دوم نیازی است که به احیای برجام و لغو تحریم‌ها برای اقناع افکار عمومی دارد. در شرایط کنونی نرخ ارز در کشور روند صعودی به خود گرفته است و به همین دلیل ایران به دنبال این است که با احیای برجام و لغو تحریم‌ها از این روند جلوگیری کند. مسئولان به خوبی به این نکته آگاهی دارند که آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران می‌تواند تا حدود زیادی در آرام کردن فضای اقتصادی کشور و نرخ دلار و ارز تأثیر گذار باشد.

«پس از وقوع اعتراضات در ایران کشورهای غربی یک رویکرد حقوق بشری نسبت به ایران در پیش گرفته‌اند. این موضوع به چه میزان روند مذاکرات و روند احیای برجام سایه افکنده است؟

واقعیت این است که کشورهای غربی با وقوع اعتراضات در ایران که به دلیل نارضایتی‌های انباشته شده رخ داد موضوع حقوق بشری را علیه ایران مطرح کردند. کشورهای غربی می‌توانستند در گذشته نیز این رویکرد را در پیش بگیرند و اتفاق جدیدی نبود که به تازگی رخ داد. در شرایط کنونی نیز به دلیل اعتراضاتی که در داخل ایران رخ داد این رویکرد را در پیش گرفتند تا فشارهای بیشتری به ایران وارد کنند. اگر حقوق بشر را به عنوان یک ابزار علیه ایران قلمداد کنیم کشورهای غربی هنوز به دیپلماسی و مذاکره باور دارند و فقط جمهوری اسلامی را به رسمیت می‌شناسند. در غیر این صورت سفارتخانه‌ها را در ایران می‌بستند و سفرای خود را فرامی‌خواندند که تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده است.

امیر رضا واعظی آشتیانی:

احزاب کار آمد نیستند

که آن هم با نوع حکمرانی در بخش‌های مختلف خواهد بود. عضو حزب مؤتلفه اسلامی افزود: ما در بعضی از بخش‌ها توانایی مدیریتی در اجرا نداریم یا تعریف درستی از نوع اجرا نداریم. بحث حکمرانی موضوعی است که باید در کنار تفکر اجرایی، عوامل اجرایی بتوانند به عنوان کارگزار اجرا کنند. ما امروز خیلی از قوانین را در کشور داریم که بسیار خوب هستند ولی مجریان خوبی در برخی از بخش‌ها نداریم. مشکل ما بحث مدیریت است. تا زمانی که به مدیریت به صورت علم، حرفه و هنر نگاه نکنیم در حکمرانی مشکل خواهیم داشت. بهانه‌های قانون اساسی را باید کنار بگذاریم مهم بحث مدیریت است. شاکله مدیریت ما به چالش افتاده و باید مدیرتمان را اصلاح کنیم. وی ادامه داد: باید نوع

«آیا رویکردی که دولت در پیش گرفته و ابزارهایی که برای احیای برجام در اختیار دارد برای احیای برجام کافی است؟ آیا رویکرد دولت سیزدهم به سستی است که باید به فکر جایگزینی برای برجام بود؟

اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم نه دولت و نه وزارت امور خارجه تصمیم گیر نهایی درباره دیحای برجام است و تصمیمات در ساختار کلی نظام و مراکز اصلی تصمیم‌گیری در نظام صورت می‌گیرد. به همین دلیل رویکردی که دولت و رئیس‌جمهور و وزارت امور خارجه در این زمینه در پیش گرفته‌اند در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد. نکته مهم در این زمینه این است که مراکز تصمیم‌گیری در ایران باید تشخیص بدهند که یکی از دلایل التهابات و اعتراضات اخیر به دلیل نتگناهای اقتصادی است. برای عبور از این نتگناهای اقتصادی نیز باید فضاهای جدیدی در منطقه و راه عرصه بین‌المللی به وجود بیاید. این در حالی است که اگر مذاکرات هسته‌ای به نتیجه برسد و برجام احیا شود نیز همه مشکلات اقتصادی و داخلی ایران حل نخواهد شد و کسانی که چنین باوری دارند اشتباهی می‌کنند. واقعیت این است که تا زمانی که ایران نوع نگاهش را به مسائل منطقه و جهان تغییر ندهد این وضعیت وجود دارد. تنها در شرایطی که ایران نگاهش را نسبت به تحولات منطقه‌ای و جهانی تغییر نهد نمی‌توان تغییر وضعیت کنونی امیدوار بود. برجام یک مسأله موقتی است که به پرونده هسته‌ای و تحریم‌های ایران ارتباط پیدا کرده است. این در حالی است که آژانس نیز نسبت به وضعیت پرونده هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده است. آقای گروسی باید هر سه ماه یک بار به شورای امنیت سازمان ملل گزارش بدهد. اگر این گزارش بدهد. روند کنونی خود ادامه بدهد در نشست آینده آژانس که چهارمین نشست پس از سه نشست گذشته به شمار می‌رود قطعاً علیه ایران قطعنامه تنبیهی صادر خواهد شد و پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارسال خواهد شد.

«اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد چه چشم‌اندازی پیش روی کشور می‌بینید؟

اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد شرایط اقتصادی پیچیده‌تر خواهد شد. در شرایط کنونی کشوری که منابع عظیم گازی در اختیار دارد با مشکل گاز مواجه است که اتفاق تأمل بر انگیزی است. این موضوع نشان می‌دهد که ما باید نوع نگاهمان را به مسائل منطقه و جهان تغییر بدهیم. ما باید این واقعیت را بپذیریم که برخی سیاست‌های خارجی که در گذشته در پیش گرفته‌ایم به نتیجه مورد دلخواه نرسیده است. این وضعیت هم در منطقه وجود دارد و هم در عرصه بین‌المللی. در چنین شرایطی عقلایت سیاسی حکم می‌کند که ما باید نوع نگاهمان را به تحولات جهانی تغییر بدهیم. من فکر می‌کنم این اتفاق هر چه زودتر باید رخ بدهد. اگر اراده‌ای در این زمینه مشاهده نمی‌شود شاید به دلیل بی‌دقتی باشد. این در حالی است که اگر برخی بی‌دقتی‌ها از بین نرود وبه همین روند خود ادامه بدهیم این احتمال وجود دارد که در آینده با چالش‌های دیگری مواجه شویم.

فرارو

معمای سید و تخم مرغ‌ها

عرصه سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حکمرانی در هر کشوری است؛ حوزه‌ای که در قالب آن روابط یک کشور با جهان بیرونی تنظیم می‌شود و پیام‌ها و سیاست‌های کلان یک کشور در قالب رویه‌ها و رفتارهایی خاص نمود عینی پیدا می‌کند. البته که سیاست خارجی صرفاً در حوزه سیاسی محدود نمی‌ماند و نقشی قابل توجه در تسهیل روند رشد و توسعه اقتصادی، فناوریانه، فرهنگی، علمی و حتی نظامی کشورها نیز بازی می‌کند. از این رو، سیستم حکمروایی در هر کشور باید به حوزه سیاست خارجی به مثابه عرصه‌ای بنگرد که کاملاً پیچیده است و مدیریت درست آن می‌تواند سیل قابل توجهی از فرصت‌ها را برای کشورها خلق و طبیعتاً مدیریت غلط آن، فرصت‌سوزی‌های زیادی را برای کشورها به ارمغان می‌آورد. از این رو، رصد و تحلیل تحولات چند ماه اخیر سیاست خارجی ایران و رفتارها در این حوزه، تا حد زیادی برخی ضعف‌ها و چالش‌هایی که دستگاه دیپلماسی با آنها روبه‌رو است را آشکار ساخته. در این رابطه به‌طور خاص می‌توان به سه مشکل اشاره کرد. یکی از مشکلاتی که دستگاه سیاست خارجی کشور از دیرباز با آن دست به گریبان بوده، پیچیده بودن ساختارهای بوروکراتیک دستگاه دیپلماسی و متعاقباً تصمیم‌گیری‌ها و تحركات دیر در قالب آن است. به عنوان مثال، اخیراً «شی جین پینگ» رئیس‌جمهور چین به کشور عربستان سعودی سفر کرد و در عین حال در جریان نشست مشترک با کشورهای عضو شورای همکاری‌های خلیج فارس نیز حضور یافت و موضوعی را به نمایندگی از کشورش اتخاذ کرد که در نقطه مقابل منافع ملی کشورمان قرار داشتند. همراهی یکن با ادعاهای اعراب حاشیه خلیج فارس در مورد مساله جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، صدای بسیاری از ناظران و تحلیلگران و حتی مقام‌های سیاسی در کشورمان را نیز در آورد و منجر به طرح انتقادات مختلف از طرف تهران در رابطه با مواضع

چین شد. البته که در محکوم کردن مواضع شی جین پینگ تردیدی نیست با این حال باید توجه داشت که رئیس‌جمهوری چین در سال ۲۰۱۶ در جریان سفری به تهران، توافقات و قراردادهای زیادی را نیز با طرف ایرانی به امضا رساند با این حال از آن زمان تا به امروز، سرعت پیشرفت در روابط دو طرف جهت اجرایی کردن توافقاتشان به شدت پایین بوده است و حتی دیگر کمتر خبری از توافق مشترکت راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین نیز می‌شنویم. در این چارچوب، چینی‌ها با مشاهده کندی عملکرد ایران، عملاً گرایش خود را معطوف به بازیگرانی در منطقه خاورمیانه کرده‌اند که عملکردیانه‌تر و فرصت‌طلبانه‌تر به عرصه سیاست خارجی می‌نگرند و در دست به همین دلیل است که شاهد توسعه روابط چین با عربستان سعودی هستیم. در نمونه‌ای دیگر در مذاکرات اتمی وین با محوریت احیای برجام نیز شاهد بوده‌ایم که تملل‌ها جهت دستیابی به توافق با غرب، موجب شده فرصت‌ها را از دست ایران خارج شوند و شرایط برای دستیابی به یک توافق نزدیک به تیم هسته‌ای کشورمان از تلاش جهت دستیابی به توافقی بهتر با غرب سخن گفته‌اند این در حالی است که تملل‌ها در این رابطه موجب شد تا ابتدا جنگ اوکراین اتفاق بیفتد، سپس گزاره همکاری ایران با روسیه در قالب جنگ اوکراین و مواضع منفی طرف‌های غربی علیه ایران مطرح شود، در ادامه سفرهای انتخاباتی میان‌دوره‌ای کنگره و تضعیف تیم بایدن و حزب دموکرات در ساختارهای سیاسی آمریکا بودیم و در نهایت نیز پدیده اعتراضات در ایران اتفاق افتاد که گزاره مذاکره با ایران را به حاشیه برد. در این معادله نیز بار دیگر سیاست خارجی ایران فرصت‌طلبانه و به موقع عمل نکرد و درگیر ربه‌های بوروکراتیک و تحلیل‌هایی نظیر وقوع «زمستان سخت» برای اروپا شد.

چالش‌های

یکی از ویژگی‌های مهم و محوری عرصه سیاست خارجی، سیال بودن این حوزه و وقوع تغییرات مکرر و فراوان در قالب آن است. این گزاره به‌طور خاص پس از وقوع پاندمی کرونا و ایجاد واقعیت‌های جدید در سعه مسائل بین‌المللی، ماهیت جدی‌تر و سریع‌تری را نیز به خود گرفته است. رویه‌های میدانی بسیاری از کشورها در حوزه سیاست خارجی نشان می‌دهد که کشنگران مختلف در عرصه بین‌المللی سعی داشته‌اند تا خود را با وقوع تغییرات سریع در عرصه معادلات بین‌المللی، همسو و سازگار کنند و مواضعی را اتخاذ کنند.

«معمای سید و تخم مرغ‌ها

در نهایت باید گفت یکی دیگر از مشکلات دستگاه سیاست خارجی کشور که در سال‌های اخیر نمودهای عینی‌تری را از خود به نمایش گذاشته این است که ایران در مواجهه با تشدید رقابت‌ها دشمنی‌های غرب علیه خود، بیش از پیش به بلوک شرق و توسعه روابط با آن امید بسته و به بیان دیگر، اینطور به نظر می‌رسد که تمامی تخم‌مرغ‌های خود را در سبد شرق گذاشته است. این مسأله یک پیامد منفی دارد و آن برهم خوردن فضای موازنه سیاست خارجی است. مسأله‌ای که فضای سیاست خارجی را برای برخی کشنگرانی که با کشورمان در عرصه بین‌المللی ارتباط دارند فراهم می‌کند. اکنون ایران تا حد زیادی روی مراودات سیاسی و اقتصادی خود با روسیه و چین در عرصه بین‌المللی حساب کرده و به صورت خاص خواهان حمایت‌های این دو کشور در شورای امنیت از خود است.